

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲

جامعه‌شناسی الگوی دین‌داری در تفاسیر قرآن

محمد باقر آخوندی^{۱*}

۱- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.

چکیده

بررسی‌ها نشان می‌دهد دین‌داری مردم مسلمان ایران تاکنون، براساس الگوهای غربی و مسیحی سنجیده شده قضاوت گردیده است. براین اساس هدف این مقاله بدست آوردن الگوی بومی و مبتنی بر منابع دین اسلام با استفاده از تفاسیر قرآن، است. این مهم از طریق تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری نظری تفاسیر آیات قرآن، میسر می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد دین‌داری مبتنی بر آیات الهی، با ابعاد ذاتی انسان هماهنگ و برخلاف همه الگوهای که تاکنون ارائه شده‌اند، در هفت مرتبه قابل سنجش می‌باشد. هرمرتبه از مراتب مزبور، دارای شاخصهای مشخصی است که به آیه‌ای از آیات الهی مستند گردیده است. براساس نتایج بدست آمده دین‌داری در مراتب پائین از طریق کمی و در مراتب بالاتر به روش کیفی قابل سنجش است.

کلیدواژه‌ها: الگوی دین‌داری، سنجش دین‌داری، جامعه‌شناسی، تفاسیر قرآن

۱۰۵
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

تقی آزاد ارمکی و همکاران
الگوی پیشرفت ایرانی: اسلامی با تاکید بر شاخص‌های آموزش و بهداشت

مقدمه

به دلیل اهمیت دین و دینداری در تنظیم امور شخص و اجتماعی انسان همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران بوده و برای سنجش آن الگوهای متفاوتی ارائه نموده اند. الگوی دینداری اگوست کنت، مشتمل بر ابعاد عقاید، عواطف و عمل می شود آرون (۱۱۶: ۱۳۷۰؛ الگوی مورد نظر امیل دورکیم ابعاد عقیدتی، مناسکی و معاشرتی را دارا است) دورکیم (۴۸-۴۷: ۱۳۸۲؛ الگوی لئوبا دارای چهار بعد عقاید، عواطف، عمل و بعد اجتماعی است؛ الگوی لنسکی مبتنی بر جهت گیری دینی و اهتمام گروهی است) شجاعی زند (۴۲-۴۰: ۱۳۸۶؛ فوکویاما در الگوی خویش به ابعاد چهارگانه شناختی، آیینی، عقیدتی و عبادی دین تاکید می کند) شجاعی زند (۴۲: ۱۳۸۴؛ وولف دینداری را به ابعاد دینداری متعصبانه، دینداری سطحی، نسبی گرایی دینی و دینداری آگاهانه تقسیم می کند) به نقل از فونتاین و همکاران، (۲۰۰۳؛ الگوی گلاک و استارک دارای چهار بعد است: ۱- (تجربی) عواطف دینی، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجود مقدس ۲- (اعتقادی) باورها ۳- (مناسکی) نوعی از رفتارها، آداب، اعمال که پیروان موظف به اجرای آن هستند ۴- (شناختی) ادراکات و برداشت های فرد از جهان به عنوان مبنایی برای عمل) (سراج زاده، ۱۳۸۰؛ شجاعی زند، ۱۳۸۴؛ طالبان، ۱۳۷؛ حبیب زاده، ۱۳۸۴؛ گنجی، ۱۳۸۳؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸ و دیگران). آنها معتقدند مدلشان توان جهانی شدن را دارد. شجاعی زند با نقد الگوهای غربی، مبتنی بر منابع دین اسلام، الگوئی بومی و پنج بعدی، ارائه می کند که مبتنی بر ابعاد وجودی انسان است) شجاعی

زند. (۱۳۸۴)، بالاخره خدایاری فرد نیز مبتنی بر منابع دین اسلام الگوئی بومی و چهار بعدی برای سنجش دینداری مسلمانان ارائه کرده است) خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸)، تاکنون این الگوها و نظریات، که عمدتاً در بستری مسیحی و یهودی پرورش یافته اند به جامعه مسلمان ایران، تعمیم داده شده و نتایج نه چندان منطبق با واقعیت بدست آمده است) شجاعی زند، ۱۳۸۶؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ احمدی. (۱۳۸۸)، لذا ضرورت و اهمیت توجه درون دینی به این موضوع به خوبی آشکار می شود. براساس درک چنین اهمیتی دین در این مقاله، مستند به تفاسیر قرآن تعریف و ابعاد آن مشخص می گردد و مراتب دینداری مستند به آیات قرآن بدست می آید بر همین اساس الگوی دینداری نیز مشخص می شود.

روش شناسی تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله تحلیل محتوای کیفی پنهان و وگراند تئوری است. تحلیل محتوا از جمله روشهای غیر واکنشی و غیر مداخله ای است که مهمترین کار آن مقوله بندی مفاهیم است و سه ویژگی مهم و اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال؛ (صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۷۵) تحلیل محتوای کیفی از جمله روشهای تحلیل داده های متنی است که طی شش مرحله: طرح، واحدبندی، نمونه گیری، کدگذاری، استخراج نتایج و مرحله معبرسازی (فلیک، اووه، ۱۳۸۷ : ۳۴۸-۳۴۹) و (کرپیندوروف، به نقل از ذکائی سعید، ۱۳۸۷) و با سه تکنیک زیر انجام می گیرد. ۱- تکنیک تلخیص ۲- تکنیک تحلیل

تفسیری ۳-تکنیک تحلیل ساختاربخش(ساختاربندی صوری، ساختاربندی براساس محتوا، ساختاربندی سنخ شناسانه و ساختاربندی درجه ای فلیک، اووه، ۳۴۸-۳۴۰ : ۱۳۸۷). ازسوئی دیگر در روشی که استروس و کوربین پیشنهاد می کنند، اطلاعات متن تجزیه و شکسته میشوند و پس از مفهوم سازی در ترکیبی جدید آرایش پیدا می کنند. در این روش که کدگذاری نظری نام گذاری شده به سه شکل صورت می گیرد که هر سه صورت آن در طول همدیگر قرار دارند (کوربین و استروس، ۱۳۸۷). کدگذاری باز (آزاد): کدگذاری آزاد بخشی از تجزیه و تحلیل است که پس از جزء جزء کردن متن، مفاهیم استخراج و براساس مفاهیم بدست آمده، مقولات مشخص و نام گذاری میشوند(استراس و کوربین، ۱۳۸۷). کدگذاری محوری: بعد از مرحله کدگذاری باز، مقولات بدست آمده پالایش و تفکیک می شوند. درحقیقت کدگذاری محوری، فرآیند مرتبط کردن مقوله های فرعی با مقوله های اصلی است (فلیک، ۳۵۵ : ۱۳۸۷؛ استراس و کوربین، ۱۳۸۷ : ۱۰۰-۱۰۲ و ۱۱۳) کدگذاری انتخابی یا گزینشی : دراینجا کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی تر ادامه می یابد و تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته، خط اصلی داستان تشریح می شود. به عبارت دیگر انتخاب مقوله اصلی به طور منظم پیگیری و روابط آن با سایر مقولات مشخص می شود. از سویی دیگر جاهای خالی روابط با مقوله ای که نیاز به گسترش دارد، پر می شود. در این مرحله به مقوله ای که دست یافته اید غنا می بخشید و روابط بین آنها را مشخص می کنید (استراس و کوربین، ۱۳۸۷). قبل از ذکر یافته های تحقیق به چند نکته آغازین و مهم اشاره می کنیم .

-در این پژوهش آیات شریفه قرآن مستقیماً مبنای تحقیق قرار نگرفته است، بلکه تفسیر راهنما، به دلیل ویژگی های بدیع و منحصر به فردش، اساس کار قرار گرفت و به تناسب هر آیه شریفه، از مباحث تفاسیر مختلف از جمله سه تفسیر گران سنگ و ارزشمند المیزان، نمونه و مجمع البیان نیز بهره های فراوان گرفته شد.

-در این پژوهش سعی شده آیاتی مورد توجه قرار گیرند که به نوعی به مباحث مربوط به موضوع علم جامعه شناسی یا روان شناسی اجتماعی می پرداختند و یا موضوعاتی را طرح می کنند که آثار و پیامدهای اجتماعی دارند. این پژوهش در حقیقت تحقیقی بین رشته ای است و هیچ گاه سعی نکرده نظریه های علم جامعه شناسی را بر مباحث قرآنی تحمیل کند بلکه به گونه ای عمل گردید که بدون توجه به تئوریهای جامعه شناسی، مباحث و نتیجه گیری های قرآنی در قالب اصطلاحات جامعه شناسی و به صورت گزاره های منطقی با محتوای قرآنی ارائه گردد. مراحل تحلیل محتوای کیفی و مقوله بندی مفاهیم جهت بدست آوردن الگوی مناسب دینداری در تفاسیر قرآن عبارتند از: تشخیص مفاهیم اجتماعی بر اساس نمونه گیری نظری؛ تجزیه و تفکیک مفاهیم؛ معادل سازی مفاهیم تجزیه شده به زبان جامعه شناسی؛ آگزیماتیزه کردن مفاهیم؛ مرحله پنجم: تایید و نظارت مستمر؛ تعیین مقولات محوری و مشخص کردن خط اصلی داستان.

دین و دینداری در تفاسیر قرآن

براساس آیات قرآن، انسان دارای دو بعد نفس و بدن است^۱ که با وجود مغایرت هایی که باهمدیگر دارند، به وجودی واحد و با وحدت شخصیه موجودند. این دو بعد در واقع یک حقیقت است که دو طرف دارد، یک طرف آن متغیر، مادی و ذایل شدنی و طرف دیگر، غیر مادی، ثابت و برقرار است. انسان برای تعالی این دو بعد وجودی خود به دو گوهر علم و عمل، نیاز دارد. علم غذای نفس و عمل غذای بدن است. ولی در نهایت، این دو، یک حقیقت اند که شخصیت انسان را شکل می دهند (حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸). نکته اساسی این است که چون دین فطری و منطبق با ابعاد وجودی انسان است، آن نیز دارای دو بعد می باشد (طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴؛ طالقانی محمود، ۱۳۶۲). براین اساس دینداری نیز دارای دو بعد خواهد بود که تحلیل محتوای تفاسیر آیات قرآن مجید نشان می دهد، ایمان و عمل صالح دو بعد اساسی جامعه پذیری دینی اند و انسان دیندار با این دو به کمال می رسد. در ۵۱ آیه از آیات شریفه قرآن مجید، بلافاصله بعد از «آمَنُوا»، «عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ» آمده است. برای نمونه آیه شریفه ۱۰ فاطر^۲ ایمان و عمل صالح را دو عامل ساختن انسان می داند. این موضوع نشان می دهد ایمان در قرآن کریم در کنار عمل

^۱ آیات شریفه ۱۲ تا ۱۶ سوره المومنون

^۲ مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ (۱۰)

صالح معنی پیدا می کند. در بسیاری از آیات قرآن^۱، ایمان و عمل صالح به گونه ای در کنار هم واقع شده‌اند که گویا این دو از همدیگر جدایی ناپذیرند (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۴۲). زمانی که بعد نظری دین درونی گردد، نفس شکل گرفته، ایمان ظهور می یابد. با شکل گیری ایمان جنبه دوم دینداری، یعنی عمل صالح از فرد بروز می کند. ایمان همواره مقدم بر عمل است و عمل صالح ثمره و میوه آن به شمار می‌رود (حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸). از سوئی دیگر ایمان شریف تر از علم و اعتقاد است و زمانی که در فرآیند جامعه پذیری دینی در افراد شکل گیرد (به هرمیزان)، بخش عمده‌ای از فرآیند تکاملی انسان طی شده است. لذا کسی که ایمان دارد، اعتقاد، باور و علم را نیز به طریق اولی دارا است. به دلیل پیوستگی ایمان و عمل صالح، اگر ایمان در افراد شکل گیرد به طور قطع عمل صالح ظهور خواهد کرد، و عمل صالح نیز تنها از ایمان برمی خیزد (حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸). براین اساس دیندار با مؤمن که ۶۷ مرتبه در قرآن کریم آمده است^۲، هماهنگی کامل دارد. به عبارت دیگر مؤمن کسی است که ایمان و عمل صالح داشته باشد و هم او دیندار مورد نظر این مقاله می‌باشد. بنابراین در فرآیند جامعه پذیری دینی زمانی که دین به گونه ای در فرد درونی شوند که ذات او را تشکیل دهد و در برابر آن تسلیم گردد، عمل صالح، پیامد قطعی آن خواهد بود. مبتنی براین دیدگاه و تحلیل محتوای کیفی تفاسیر

^۱ - سُوْلًا يَنْتَلُوْا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللّٰهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظّٰلِمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَ يَعْْمَلْ صٰلِحًا يَدْخُلْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا اَبَدًا قَدْ اُحْسِنَ اللّٰهُ لَهٗ رِزْقًا

^۲ - بقره/ ۹۱-۹۳-۲۴۷-۲۲۱، آل عمران/ ۴۹-۱۷۵-۱۳۹، مائده/ ۲۳-۵۷-۱۱۲، انعام/ ۱۱۸، اعراف/ ۸۵، انفال/ ۱، و...

بسیاری از آیات قرآن در خصوص دین^۱، دین عبارت است از «تسلیم شدن همراه با یقین» در برابر اراده تشریعی خداوند که از اراده تکوینی او ناشی می‌شود و به لسان سفرای الهی بیان گردیده و فطرت نیز آن را اقتضا می‌کند (حسن زاده آملی، ۱۳۸۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴).

امکان رتبه بندی دینداری

امکان رتبه گذاری دینداری از آیات و روایات زیادی از جمله آیه ۴ سوره فتح^۲ استفاده می‌شود. گوناگونی مراتب دینداری گاه به حدی است که درک مراتب بالاتر یا پایین تر دینداری با مشکل مواجه می‌گردد و گاه رفتارها، گفتارها و حتی باورهای آنها را غیر دیندارانه تصور میشود (سلیمی، ۱۳۸۸). مراتب دینداری را از دو جهت در آیات و روایات می‌توان توضیح داد. از یک سو، مراتب دینداری مبتنی بر تک تک آیات قرآن توضیح داده می‌شود که امکان سنجش تجربی آن وجود ندارد و از سوئی دیگر، مراتب دینداری با نشانه هائی قابل مشاهده، توضیح داده میشود که میتوان به صورت تجربی آن را اندازه گرفت. براساس روایتی از پیامبر اکرم (ص)^۳ و آیات ابتدای سوره یاسین^۴، می‌توان نتیجه گرفت، رسول الله (ص)، آینه تمام نمای قرآن و به لسان امیرالمؤمنین، «قرآن ناطق است»

۱- دین ۱۰۱ مرتبه، در ۴۰ سوره و ۸۷ آیه در قرآن کریم آمده است.

۲- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴)

۳- عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ بَابُهَا فَكَيْفَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَا يَهْتَدِي إِلَيْهَا إِلَّا مِنْ بَابِهَا (صدوق ۱۴۰۰ ق: ۳۸۸)

۴- بس (۱) وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

(حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر او دین و دیندار باهمدیگر است و این همان تعریفی است که از دین در ابتدا ارائه شد بر مبنای روایت امیرالمؤمنین هرفرد به هر میزان که عامل به آیات الهی باشد، خود قرآن خواهد شد. اما چون قرآن را عوالم متعددی است «انّ للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعین بطناً»، یعنی یک آیه قرآن برای شخصی روزنه ای و برای دیگری دروازه ای و برای سومی، جهانی و برای چهارمی جهانیایی و... لذا مراتب دینداری غیر متناهی خواهد بود و قابل سنجش نیست (حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۸)

شاخص های مراتب دینداری

با استفاده از تحلیل محتوای کیفی آیات الهی و تفاسیر آنها و سپس کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم بدست آمده، هفت (۷) مرتبه قابل سنجش برای دینداری می توان استخراج کرد که هر کدام به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. مراتب دینداری که ذیلاً تشریح می شوند به صورت طولی با همدیگر ارتباط دارند. به گونه‌ای که هر مرتبه شامل مرتبه قبل خود نیز می شود.

مرتبه اول؛ پذیرش ظاهری (لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ)

در آیه ۱۴ سوره حجرات قضیه اعرابی را بیان می کند که خدمت پیامبر اسلام

۱- قال أمير المؤمنين ع في وصيته لابنه محمد بن الحنفية رضي الله عنه يا بني... عليك بقراءة القرآن والعمل بما فيه و لزوم قرآنیه و شرايعه و حلاله و حرامه و أمره و نهيه و التهجّد به و تلاوته في ليلتك و نهارك فإنة عهد من الله تبارك و تعالی إلى خلقه فهو واجب على كل مسلم أن ينظر كل يوم في عهده و لو خمسين آية و اعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرأ و ارقّ فلا يكون في الجنة بعد النبيين و الصّديقين أرفع درجة من (شيخ صدوق، ۱۴۰۴ق)

آمدند و خود را مؤمن به اسلام معرفی کردند.^۱ قرآن خطاب به پیامبر (ص)، در پاسخ آنها که خود را اینگونه معرفی کردند، می فرماید، به آنها بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، و لکن بگوئید، اسلام آورده ایم؛ چرا که هنوز ایمان در قلب شما داخل نشده است. بر این اساس ملاحظه می شود، قرآن مجید شرط دین داری را، دخول ایمان در قلب می داند، نه پذیرش ظاهری اسلام (لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ). اگر ایمان در قلب انسان داخل نشده باشد، فقط می توان ادعای اسلام و نه ادعای ایمان را داشت. بنابراین پائین ترین، ابتدائی ترین و اولین مرتبه دین داری، پذیرش ظاهری دین است. طبق همین آیه شریفه، کسی که در این مرتبه قرار گیرد داخل در گروه مسلمان گردیده و اسمش مسلمان است، نه مؤمن؛ زمانی به او میتوان مؤمن خطاب کرد که ایمان در قلبش داخل گردیده باشد. براساس تحلیل محتوای تفاسیر این آیه، شاخص اصلی این مرتبه از دین داری، «گفتن شهادتین: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله»، است که فرد پس از گفتن آن دو، در گروه مسلمانان داخل می شود و احکام اسلامی در مورد او جاری می گردد؛ مال و جانش محترم، معامله با او درست، ازدواج با او صحیح و پاک به شمار می رود (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۱: ۴۵۸-۴۵۶؛ قرشی سید علی اکبر، ۱۳۷۱ و امام خمینی، ۱۳۸۴: ۳۲). گاهی فشار اجتماعی باعث می شود، افرادی که در این مرحله از دین داری قرار گرفته اند اعمالی منطبق با خواست خدا انجام دهند و نسبت به هنجارهای دین، خود را در جمع، پایبند

- قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّنَّا فَلَئِمَّا نُوْمِنُوْا وَ لَآكِن قُوْلُوْا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوْبِكُمْ وَ إِن تَطِيْعُوْا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ لَآ يَلِيْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (۱۴/حجرات)

نشان دهند تا از مجازات اجتماعی گروه مومنین، مصون بمانند. لکن چون از نظر قلبی هنوز تسلیم نشده اند و ایمان اصل بشمار می آید، بر اعمال خیر آنها، تأثیری مترتب نیست. به تناسب فشار اجتماعی ناشی از دین داری در جامعه دینی، در این مرتبه از دین داری رفتارهای منافقانه افزایش می یابد که در موارد متعدد امکان تشخیص وجود ندارد. در چنین مواقعی آنچه قبلاً در خصوص تشخیص این گونه رفتارها گفته شد، می تواند مؤثر و مفید باشد.

مرتبه دوم؛ دین داری در اجمال

در آیه ۱۰۶ سوره یوسف^۱، قرآن از مردمی سخن می گوید که در عین اینکه ایمان دارند و با نام مؤمن مورد خطاب قرار گرفته اند، لکن ایمانشان با شرک ممزوج است. مبتنی بر این آیه شریفه ایمان به خدا، با شرک قابل جمع، شمرده شده است. اگر شرک را به معنی ناخالصی (سلیمی، ۱۳۸۸) بگیریم، مؤمنین مورد خطاب این آیه کسانی هستند که نسبت به گروه اول، ایمان در قلبشان داخل گردیده، در رتبه ای بالاتر قرار می گیرند لکن ایمانشان هنوز با ناخالصی هائی همراه وثبات و استقرار کمی دارد. بدین جهت در این مرتبه، ایمان ضعیف و احتمال از بین رفتن آن وجود دارد، مانند ایمان کسانی که در شمار مؤمنین اند و قرآن آنها را با منافقین و نه از منافقین، دانسته است. همچنین بر اساس آیه ۱۳۷ سوره نساء، افرادی هستند که با وصف دارا بودن ایمان، ایمانشان را از دست داده، بطرف کفر می روند، سپس از کفر جدا و مجدداً به سوی ایمان برمی گردند

۱- هُوَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ.

توبه کنند و نماز را اقامه و زکات را پرداخت کنند. این موضوع نشان می دهد اولین قدم پس از ایمان، بجا آوردن نماز و پرداخت زکات است. طبق آیات ۲۲ الی ۳۵ سوره معارج^۱ نماز گزاران در منطق قرآن کسانی هستند که نمازشان مداوم باشد، اهل انفاق باشند، عفت دامن داشته باشند، به پیمانها وفادار باشند و.... همچنین براساس آیات ۲ و ۳ سوره انفال^۲ مؤمنینی که نماز به پا می دارند و زکات پرداخت می کنند، در زندگی به خدا توکل می کنند، قلبشان در زمان یاد کردن نام خدا تکان می خورد، در زمان استماع آیات الهی به شوق می آیند و

بطور کلی چون این مرتبه از دین داری اولین مرتبه ای است که ایمان وارد قلب شده، مؤمن در برابر اراده الهی تسلیم می گردد، تمام هنجارهایی که به عنوان واجب دین از آنها یاد می شود، بر او واجب است. در این صورت همه واجبات دین شاخصهای این مرتبه از دین داری محسوب می شوند. در این مرتبه از دین داری به دلیل سستی و ضعف ایمان، تأثیر پذیری از محیطهای اجتماعی و فرهنگی بالاست. بدین جهت اگر محیط اجتماعی، دینی باشد، بتدریج ایمان تقویت و پایدار می گردد ولی چنانچه محیط اجتماعی، غیردینی یا ضد دینی باشد، بتدریج ایمان تضعیف و رو به نابودی می گراید. از سوئی دیگر به

- إِيَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲) الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَانِمُونَ (۲۳) وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴) لِّلسَّائِلِ وَ الْمَخْرُومِ (۲۵) وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۲۶) وَ الَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸) وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹) إِيَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ فَائِمُونَ (۳۳) وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ لَأَتِهِمْ يَحَافِظُونَ (۳۴)
۲- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا نُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)

همین دلیل، فشارهای هنجاری و ارزشی، نیز تأثیر تعیین کننده ای در پابندی به هنجارها و ارزشهای دین دارند، بدین معنی که اگر فشار هنجاری و ارزشی بالا باشد هموائی با دین در جامعه افزایش می یابد در حالی که اگر فشار هنجاری و ارزشی کم باشد هموائی با دین در جامعه کاهش می یابد. به عبارت دیگر، به تناسب فشاری که از ناحیه جامعه دینی برای پابندی به دین به افراد وارد می شود، در این مرتبه، رفتارهای منافقانه افزایش یا کاهش می یابد که در موارد متعدد امکان تشخیص ساده آنها وجود ندارد. بنابراین به دلیل رفت و برگشتی که بین کفر و ایمان در این مرتبه از دین داری وجود دارد و نیز براساس آیه ۱۸۳ سوره بقره^۱، هنوز ملکه تقوا^۲ در مومنین مورد نظر این آیه شکل نگرفته و پس از دخول ایمان در قلب و استقرار و پایداری آن ظاهر می گردد.

مرتبه سوم؛ دین داری در تفصیل (ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً)

در آیه ۶۹ سوره زخرف^۳ مومنین با کلمه مسلمین وصف شده اند که پس از تحلیل محتوای کیفی تفاسیر این آیه، معانی زیر برای این کلمه بدست می آید. خاضعین (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۲: ۲۶۳ و دیگران)، مخلصین (شبر، ۱۴۰۷: ج ۵: ۴۳

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

۲- «تقوا» در اصل بمعنی خویشتن داری و در اصطلاح نیروئی درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات، حفظ و کنترل می کند. تقوا در واقع نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را در پرتگاهها حفظ و از تندرویهایی خطرناک، باز می دارد. اگر ایمان در قلب رسوخ کند بر وجود انسان حاکم شده استقرار یابد، احساس مسؤولیت و تعهدی در فرد بوجود می آید که او را از «فجور» و گناه باز می دارد، به نیکی و پاکی دعوت می کند، اعمال آدمی را خالص و فکر و نیت او را از آلودگیها می شوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۵۱۱).

۳- الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ

و دیگران)، تسلیم شدن (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲: ۶۷ و دیگران). همچنین در آیه ۲۰۸ سوره بقره^۱ از مؤمنین می خواهد، داخل در «السُّلْم» شوند؛ همه مؤمنین را، تک تک و جمیعا، امر می کند که داخل در «سلم» شوند. در این آیه بعد از ایمان به خدا، «سلمی» که مؤمنین بدان دعوت شده‌اند عبارت از تسلیم شدن برای او است. پس بر مؤمنین لازم است خود را تسلیم خدا کنند، و برای خود استبداد رأی قائل نباشند و به غیر از راهی که خدا و رسولش مشخص کرده اند، راهی دیگر نپیمایند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۱۵۱). کلمه «كَافَّةً» در این آیه نیز به دو صورت معنا شده است. در یک معنی «كَافَّةً» به مؤمنین برمی گردد، بدین صورت که همگی داخل اسلام شوید و در معنای دوم، به مؤمنین دستور داده می شود که به صورت همه جانبه، به همه احکام دین، بدون تبعیض، عمل کنید و تسلیم آنها باشید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲: ۲۷۲). از نظر اکثر مفسران معنی دوم ترجیح دارد. مبتنی بر این دو آیه، قرآن از مؤمنین می خواهد که خالصا، خاضعا و تسلیمًا، به صورت همه جانبه در برابر همه احکام دین، بدون تبعیض تسلیم باشید و این همان ایمان تفصیلی است که از آن یاد کردیم. در این مرتبه از دین داری، مؤمنین نسبت به اوامر و نواهی الهی به صورت تفصیل و نه اجمال، تسلیم می شوند و به همه آنها پایبند و منقاد می گردند. تفصیل در پایبندی به دین، نتیجه ثبات، استحکام و استقرار ایمان در افراد است که به تدریج برای مومنین حاصل می شود و ملکه تقوا را در آنها شکل می دهد (آیه ۱۸۳ سوره بقره). در آیه ۱۳۴ سوره آل

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۰۸)

عمران^۱ متقین تعریف عملیاتی می شوند که پس از تحلیل محتوای تفاسیر این آیه، نشانه های متقین به صورت زیر کدگذاری و طبقه بندی شده اند:

س در سختی و آسایش از سرمایه های فیزیکی، مادی، اجتماعی و فرهنگی در اختیار خود در انفاق می کنند.

س خشم و غضب خویش را با اینکه قدرت بر اعمال آن را دارند، فرو می برند.

س از خطا و اشتباه سایر مؤمنین در حق خود، در می گذرند و کینه به دل نمی گیرند.

س علاوه بر اینکه از خطا و اشتباه سایر مؤمنین در حق خود در می گذرند، بدی ها و خطاهای آنها را با نیکی و احسان پاسخ می دهند.

س در هنگام ارتکاب ناهنجاری و انحراف «ذکر الهی» آنها را از انحراف دور می کند.

س هیچگاه بر انحراف و ناهنجاری اصرار و پافشاری نمی کنند.

(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲ ج ۳ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۳ ص ۹۶ تا ۹۹، طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ ج ۲ ص ۸۳۷ / کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶ ج ۲ ص ۳۳۶ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ ج ۱ ص ۴۸۶ / فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ج ۳ ص ۳۶۶ / فضل الله سید محمد حسین ۱۴۱۹ ج ۶ ص ۲۷۱ / نورالثقلین ج ۱ ص ۳۸۹ / الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ج ۲ ص ۶۹۶)

۱- الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴) وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِسَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

در عین آنچه گفته شد، در این مرتبه از دین داری، هنوز احتمال گناه و تخطی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچند در این مرتبه مؤمنین تفصیلاً، تسلیم اراده الهی می‌باشند، اما احتمال بروز انحراف و خطا در آنها، دور از ذهن نیست و قرار داشتن در این مرحله منافاتی با ارتکاب بعضی گناهان ندارد.

مرتبه چهارم؛ دین داری در یقین (آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا)

قرآن کریم پس از آنکه در آیه ۱۴ سوره حجرات اولین مرتبه دین داری را بیان فرمود، در آیه ۱۵ همان سوره به تشریح مرتبه ای از ایمان می‌پردازد که به دلیل جایگاه بالای ویژگی‌هایی که برای مؤمنین ذکر می‌کند، مرتبه بالائی از دین داری را می‌توان استنباط کرد.^۱ در این آیه «الْمُؤْمِنُونَ: مُؤْمِنِينَ»، با کلمه حصر «إِنَّمَا»، فقط به کسانی منحصر می‌شود که به خدا و رسول او ایمان داشته باشند «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» و نسبت به این ایمان، هیچ شک و تردیدی، در هیچ زمانی، به خود راه ندهند. به عبارت دیگر، «الْمُؤْمِنُونَ» در این آیه کسانی هستند که در برابر اراده الهی و پیامبر او تسلیم‌اند و در این تسلیم بودن هیچ گاه تردید به خود راه نمی‌دهند «ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا». از آنجائی که خطر شک و تردید دائماً برای انسان وجود دارد، براساس این آیه، شک نکردن مؤمنین در این آیه، نسبت به ایمان خویش، منحصر به زمان حال نیست، بلکه آنها در زمانهای آینده نیز نسبت به آن، شک نمی‌کنند. ویژگی بعدی که این آیه برای این مؤمنین، مشخص فرموده، تلاش

- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا، وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. (حجرات/ ۱۵)

در بخشش مال و جان خویش در راه پیشبرد دین است «و جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» کلمه «مجاهده» در این آیه، مصدر «جاهدوا» و به معنی به کارگیری تمام توان خویش برای پیشبرد دین خدا است. و کلمه «سبیل الله» به معنای دین خدا است. و منظور از مجاهده به اموال و انفس، عمل و به کار گرفتن توانائی‌های خویش، با تمام درجه قدرت، در انجام تکالیف مالی، از قبیل زکات و سایر انفاقات واجب، و انجام تکالیف بدنی چون نماز، روزه و حج و غیره می باشد. بنابراین معنای آیه این است که: مؤمنین واقعی کوشش می کنند تا تکالیف مالی و بدنی خود را نسبت دین انجام دهند.

(طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۱۸: ۴۹۳). براین اساس ایمان اگر در قلب راسخ گردد، انسان از بذل مال و جان در راه خدا نه تنها مضایقه نمی کند و در این راه هیچ شک و تردیدی به خود راه نمی دهد، بلکه تمام تلاش خویش را برای این منظور به کار می گیرد. بدین خاطر در پایان آیه می افزاید: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ: چنین کسانی راستگو هستند». این راستگویی نتیجه ایمانی است که دائما همراه او است و در آن تردید نمی کند (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴: ج ۲۲: ۲۱۳) پس تعریف مؤمنین به: ایمان به خدا و رسول، تردید نکردن در این ایمان، بذل مال و جان در راه دین و راستگویی در هر شرایط (ولو به ضرر او باشد)، تعریفی جامع و مانع است که هیچ غیر مؤمنی را شامل نمی شود. در نتیجه هر کس متصف به این صفات باشد مؤمن حقیقی است، هم چنان که هر کس یکی از این صفات را نداشته باشد، مؤمن حقیقی نیست. در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره

الصف^۱ همین معنی برای مؤمنین تایید شده است. در این دو آیه شریفه دارندگان ایمان، مجدداً به داشتن ایمانی جدید راهنمایی شده اند، که اگر ایمان دوم حاصل گردد مجاهده در راه دین با مال و جان بوجود می آید «و تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ». براین اساس مشخص می شود، ایمان دوم مؤمنین مد نظر این آیات، غیر از ایمان اولی است که به آنها نسبت داده شده است (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۱). بنابراین در این مرحله، مؤمنین هیچ گاه نسبت به ایمان خویش به خدا ورسول و بذل مال و جان خویش در راه پیشبرد دین، به خود تردیدی راه نمی دهند، در حالی که احتمال تردید و شک در مراحل قبلی وجود دارد.

رتبه پنجم؛ دین داری در سیاست و اجتماع (و يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)

در چهارمین مرتبه از دین داری که مبتنی بر آیه ۱۵ سوره حجرات تعریف شد، مؤمنین ضمن اینکه در برابر اراده الهی تسلیم می شدند، نسبت به آن هیچ شک و تردیدی به خود راه نمی دادند. هرگاه انسان، با این نوع دین داری انس گیرد، به تدریج همه عوامل معارض با آن، رام و متقاد می شوند و به تدریج در باطن خود نیروی سرکشی که مطیع امر و نهی خدا نباشد، و یا از قضا و قدر خدا به خشم آید، نمی یابد، و سراپای وجودش تسلیم خدا می شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱). براین اساس مؤمن بتدریج در مرحله ای قرار می گیرد که نمی تواند در برابر هیچ

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؟ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ، (الصف/ ۱۰-۱۱)

حکمی از احکام الهی تسلیم نشود. او کاملاً تسلیم اوامر خدا و رسول او می گردد، هر چند علیه او حکم شود.

پس از تحلیل محتوای آیات ۵۹ تا ۶۶ سوره نساء و تفاسیر مربوط به آنها این مرتبه از دین داری استنباط می گردد. در آیه ۵۹ سوره نساء^۱ و آیه ۷ سوره الحشر^۲، مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آنها امر می کند، فرمان خدا، فرمان رسول و اولی الامر که از خود شما هستند، اطاعت کنید. امر به اطاعت فرمان خدا، رسول و اولی الامر در اینجا، مقدمه ای است برای بیان موضوعی بسیار مهم و اساسی که چنانچه در زندگی در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و رسول او ارجاع دهید «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۶۱۸). جالب این که ارجاع اختلافات به خدا و رسول، در ادامه آیه، شرط ایمان به خدا و روز قیامت دانسته شده است «إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ». در آیه ۶۵ همان سوره، خدا سوگند یاد می کند «فَلَا وَرَبِّكَ» که ایمان نمی آورند، مگر آنکه در آنچه که اختلاف کرده اند تو را داور قرار دهند «لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ»، و در ادامه بر این نکته تأکید می کند، که اینکه مؤمنین تو را در اختلافات و تضادها، داور قرار دهند، کافی نیست و باید از حکمی که رسول خدا در مورد آنها کرده در دلهاشان احساس ناراحتی (و تردید) نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». تحلیل محتوای تفاسیر این بخش از آیه ۵۹ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

- يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)
۲- وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» و آیه ۶۵ سوره نساء^۱ و نیز طبقه بندی آنها نشان می دهد، اختلاف و تضادی که از نظر این آیات باید به خدا و رسول ارجاع گردد، منحصر به اختلاف خاصی نیست و مطلق تضادها و اختلافات را شامل می شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۶۲۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۴۹۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۵: ۲۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۷: ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳: ۴۵۴؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ج ۳: ۲۹۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۴۶۷ و دیگران). بنابراین اختلافات و تضادهای مورد نظر این دو آیه که باید به خدا و رسول او ارجاع شوند، مطلق اند و ممکن است موارد زیر را شامل شود:

۱. بروز اختلاف و تضاد در مسائل سیاسی و حکومتی
۲. بروز اختلاف و تضاد در مسائل اجتماعی و زندگی روزمره
۳. بروز اختلاف و تضاد در مسائل فرهنگی و تبلیغاتی
۴. بروز اختلاف و تضاد در مسائل آموزشی و تربیتی
۵. بروز اختلاف و تضاد در مسائل اقتصادی و مالی
۶. بروز اختلاف و تضاد در مسائل نظامی و انتظامی
۷. بروز اختلاف و تضاد در مسائل شخصی و شخصیتی
۸. و....

۱- فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُواكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۶۵)

همچنین در این دو آیه، سطح اختلافات و تضادهائی که باید به خدا و رسول ارجاع شود، منحصر نشده و به صورت مطلق آمده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۶۲۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۴۹۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۵: ۲۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۷: ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳: ۴۵۴؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ ق: ج ۳: ۲۹۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۴۶۷ و دیگران).
براین اساس ممکن است اختلافات و تضادها مورد نظر این دو آیه در سطوح زیر اتفاق افتند:

۱. سطح کلان: اختلافات و تضادهائی که در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی یا بین آنها، در جوامع و کشورها یا بین آنها و نیز روابط بین الملل اتفاق می افتد.
 ۲. سطح میانه: اختلافات و تضادهائی که در گروههای اجتماعی، محلات، سازمانها و... یا بین آنها اتفاق می افتد.
 ۳. سطح خرد: اختلافات و تضادهائی که در گروههای کوچک، خانواده و... یا بین آنها اتفاق می افتد.
 ۴. اختلافات و تضادهائی که در فرد و شخصیت به وجود می آید.
- از آنجائی که براساس آیه ۱۰۵ سوره نساء^۱، هدف نهایی بعثت رسول الله داوری در بین مردم است، از تحلیل محتوای دو آیه ۵۹ و ۶۵ سوره نساء، می توان نتیجه گرفت که مؤمنین اگر ایمان دارند، باید همه اختلافات و تضادهائی که نمونه هائی از آنها اشاره شد، و در هر سطحی،

۱- إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْتَكَ اللَّهُ وَ لَأ نَكُنَ لِلْخَائِبِينَ حَصِيمًا (۱۰۵)

جهت داوری به خدا و رسول او ارجاع دهند. تنها ارجاع اختلافات و تضادها به خدا و رسول کفایت نمی کند، بلکه مؤمنین باید نسبت به این داوری رضایت کامل داشته باشند و در ظاهر و باطن نسبت به آن احساس ناراحتی نکنند. براساس آیه ۶۶ سوره نساء^۱ اگر رسول الله، علیه کسی حکم کند، و آن فرد از آن حکم منزجر و ناراحت شود، در حقیقت از حکم خدای تعالی ناراحت شده است، چون خدای تعالی این شرافت را به رسولش داده، که بندگان او، رسولش را اطاعت کنند، و حکمش را بین خود نافذ بدانند. بنابراین مبتنی بر آیات ۶۵ و ۶۴ همان سوره^۲ اگر مؤمنین تسلیم حکم رسول الله شدند، و از هیچ حکم او در باطن خویش ناراحت نگشتند، آن وقت دین دار واقعی هستند، و در این صورت است که می توان گفت به طور قطع تسلیم حکم خدایند. هر مؤمنی که به این مرحله از دین داری برسد، صفاتی در او پیدا می شود که مهمترین و روشن ترین آنها، تسلیم شدن در برابر همه دستورات و مقدراتی است که از ناحیه خدای تعالی به وی می رسد و چنین کسی دیگر حالت اعتراض و چون و چرا کردن در برابر اوامر الهی، به خود نمی گیرد، نه در زبان حرفی می گوید، و نه در دل نق می زند. و به همین جهت در آیه ۶۵ سوره نساء «تَسْلِيمًا» مطلق ذکر شده است و معنای آیه عام است، یعنی

۱- وَ لَوْ أَنَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنبِيْهُنَّ (۶۶)

۲- وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (۶۴)

تسلیم شدن شامل احکام تشریحی و تکوینی می‌شود. بلکه از این هم عام‌تر است و شامل همه داورهای رسول خدا (ص) و روش‌هایی که او در زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی تبلیغاتی، شخصی و ... سیره خویش قرار داده بود، می‌شود. پس دین داران حقیقی باید رفتار و روش رسول‌الله را، هر چند که خوشایند آنها نباشد، سیره خود قرار دهند. مؤمنی که در این مرحله از دین داری قرار گرفته، نمی‌تواند هر چیزی که به نحوی از انحاء، به خدا و رسول او (ص) انتساب داشته باشد، رد، اعتراض، یا از آن اظهار خستگی و یا به وجهی از وجوه از آن بدش آید (مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۴: ج ۳؛ طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۳). در آیه ۶۶ سوره نساء، برای نمونه دو شاخص قابل اندازه‌گیری برای این مرتبه از دین داری ارائه شده است. بدین ترتیب که اگر داور خدا و رسول او بر این قرار گرفت که هم‌دیگر را بکشند «أَنْ أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» یا منزل و دیار خویش را ترک کنند «أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ»، نباید در زبان، عمل و دل از این داور ناراحت شوند، رد کنند، نق‌زنند، احساس ناراحتی و خستگی کنند و ... تعبیر جالب آیه ۵۱ سوره نور^۱ مرتبه از دین داری را به گونه‌ای توصیف می‌کند که آنها به محض مطلع شدن از داور خدا و رسول او، «إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ» بدون چون و چرا می‌گویند: «أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا: شنیدیم و

۱- إِنْ مَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

اطاعت کردیم». جالب اینکه کلمه «إِنَّمَا» که در ابتدای آیه برای حصر آمده، مشخص می‌کند مومنین زمان مطلع شدن از داوری خدا و رسول او جز این، سخنی ندارند و سر تا پایشان همین دو کلمه است. براستی که پس از تحلیل محتوای تفاسیر آیاتی که در آنها ایمان مطرح گردیده، مشخص می‌شود حقیقت ایمان نیز همین دو کلمه است و بس «سمعنا و اطعنا» براساس جمله پایانی آیه «وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، این تسلیم پذیری مومنین در برابر داوری خدا و رسول او، باعث می‌شود آنها رستگاران واقعی باشند و طبق آیه شریفه ۹ سوره یونس^۱، آنها به ایمانشان هدایت شوند. هدایت به ایمان در مومنین بدان معنی است که آنها هر چه در برابر اراده الهی بیشتر تسلیم شوند ایمانشان تقویت، و تقویت ایمان بر این حال تسلیم بودن در برابر اراده الهی اثری دو چندان دارد.

مرتبه ششم؛ دینداری در برگزیده شدن (أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ)

از آنجائی که مراحل دین داری به صورت سلسله مراتب با همدیگر در ارتباطند، مؤمنینی که دینداری را در یک مرتبه به کمال داشته باشند، صعود به مرتبه بالاتر از دین داری روزی آنها می‌گردد. به عبارت دیگر مؤمنینی که اختلافات و تضادها را جهت داوری به خدا و رسول او ارجاع دهند و از نتیجه این داوری هر چه باشد، در زبان، عمل و دل، ناراحت نشوند، رد نکنند، نق نزنند، احساس ناراحتی و خستگی نکنند و بدشان نیاید، این مرتبه از دین داری را به کمال دارند

۱- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۹)

و به مراتب بالاتر صعود می‌کند. شاخص قابل اندازه‌گیری که مبتنی بر آیه ۶۶ سوره نساء در مرتبه پنجم از مراتب دین‌داری ذکر کردیم، این بود که اگر مؤمنین نسبت به داوری خدا و رسول او، در کشتن همدیگر: «أَنْ أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» و «ترک خانه و دیار خویش: أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ»، در زبان، عمل و دل، ناراحت نشوند، رد نکنند، نق نزنند، احساس ناراحتی و خستگی نکنند و بدشان نیاید، این مرتبه از دین‌داری را به کمال دارند و به مرتبه بالاتر صعود می‌کنند. نمونه این مؤمنین حضرت ابراهیم (ع) بود که از ابتدای جوانی از آزمونهای متعددی سربلند بیرون آمد. از جمله او در فرمان الهی برای ذبح فرزند جوان خویش (در آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره الصافات^۱) و ترک دیار خویش (آیه ۳۷ سوره ابراهیم^۲) تسلیم محض بود و از این آزمون سربلند بیرون آمد. حضرت ابراهیم (اواخر عمر)، زمانی که به همراه فرزندش کعبه را تجدید بنا می‌کرد، براساس آیه ۱۲۸ سوره بقره^۳، از خدا درخواست اسلام می‌کند «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ». از آنجائی که این تقاضا در اواخر عمر او اتفاق افتاده اسلام مد نظرش غیر از اسلام به معنی متداول میباشد. در حقیقت چیزی را تقاضا کرده که به اختیار خود او نیست و نمی‌توان با اختیار خود آن را بدست آورد (طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴: ج ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱؛ طالقانی، ج ۱) اسلامی که در این آیه مد

۱- فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتُّ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

۲- رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)

۳- رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنْ كُنْتَ تُتَابِ الرَّحِيمِ،

نظر است همان عبودیت محض است که ابراهیم (ع) برای خود و اسماعیل از خدا درخواست کرد. او برای ذریه خویش نیز جز اسلام واقعی را درخواست نکرد که در جمله «أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ»، به آن اشاره شده است (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۱). پس از چنین شرایطی بود که براساس این آیه ۱۳۰ سوره بقره^۱ مقام «اصطفاء» به حضرت ابراهیم داده شد. این مقام زمانی به او داده شد که او در سن کهولت قرار داشت و از آزمونهای متعددی سربلند بیرون آمد. پس از اینکه او از این همه امتحان دشوار سربلند بیرون آمد خداوند در آیه ۱۳۱ سوره بقره^۲ خطاب به او فرمود: تسلیم باش «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ»، و او هم برای خدای رب العالمین تسلیم صرف شد «قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» کلمه «اصطفاء» در آیه ۱۳۰ سوره بقره به معنای گرفتن چکیده و خالص هرچیز است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۴۵۲)؛ برگزیده شدن (طبرسی، ۱۳۶۱: ج ۲: ۶۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۴۶۰)؛ صافی و خلوص (طبرسی، ۱۳۶۱: ج ۲: ۶۴۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۱: ۲۰۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۰۲) است، به طوری که بعد از مخلوط شدن با چیزهای دیگر، قابل جدا شدن باشد. خلاصه، «اصطفاء» آن است که، دیندار در تمام زندگی به مقتضای مملوکیت و عبودیت رفتار کند، یعنی برای پروردگارش تسلیم صرف باشد، و این با عمل به دین در همه شئون زندگی تحقق می‌یابد.^۳ مقام اصطفاء که در آیه ۱۳۰ سوره بقره برای حضرت ابراهیم ذکر شد «هُوَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي

۱۳۱ مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی

تقی آزاد ارمکی و همکاران
الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی با تأکید بر شاخص های آموزش و بهداشت

۱- وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلاَّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۳۰)

۲- ذُ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۳۱)

۳- إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلاَّ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹/ آل عمران)

الدُّنْيَا»، عینا همان مقام اسلام است که در آیه ۱۳۱ سوره بقره «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» شاهدی برای آن ارائه گردیده است. با این حساب آیه ۱۳۱ تفسیرمقام «اصطفیناه» می باشد که در آیه ۱۳۰ در مورد حضرت ابراهیم آمده است (طباطبائی، ۱۳۷۴). بر اساس این آیه، خلوص باعث برگزیده شدن، می شود، که در آیات ۱ تا ۳ سوره المؤمنون^۱ نیز مورد تاکید قرار گرفته است. نکته جالب در این آیات این است که در این مرتبه از دینداری «اقامه نماز» نشانه مؤمنان دانسته نشده، بلکه «خشوع» در نماز از نشانه های آنها شمرده می شود اَلَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». پس از تحلیل محتوای تفاسیر این آیه برای «خشوع» می توان معانی زیر را ارائه کرد. حالتی درونی است که در قلب مومن (که جایگاه ایمان است)، ایجاد و توجه را فقط معطوف به خدا و از جاهای دیگر قطع می کند و تأثیر آن نیز مستقیماً در اعضاء و جوارح ظاهر می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴: ۱۹۴؛ طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۵: ۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۸: ۱۴۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶: ۱۳۳)؛ تواضع و فروتنی (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۷: ۳۱)؛ مستولی شدن خشیت و هیبت (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۲: ۶۵) خضوع و تذلل (طوسی: ج ۷: ۳۴۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق: ج ۱: ۳۵۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۳۵۸). براین اساس مؤمن خاشع کسی است که دارای ایمانی زنده و فعال بوده، متوجه مقام ربوبی باشد، به گونه ای که مستغرق در ذلت و خواری گشته و دلش را از هر چیزی که او را از قصد و هدفش باز می دارد، باز دارد. به دلیل اطلاقی که

۱- قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

در آیه در خصوص این کلمه وجود دارد، تذلل و انکسار قلب در نماز، مربوط به شرایط خاصی نیست و همه شرایط (سختی و آسانی، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی، دارائی و نداری، سرما و گرما، جنگ و صلح، فرماندهی و فرمانبری، ریاست و مرئوسیت، در جمع و تنهایی، در شب و روز) و نیز همه شئون زندگی را در برمی گیرد. با اینکه هم در خشوع و هم در خضوع معنای تذلل و انکسار وجود دارد، اما فرق این دو آنست که خضوع مختص به جوارح و اعضای بدن انسان است، ولی خشوع مختص به قلب است (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۴۷: ج ۱: ۲۳۰). در آیه ۳ سوره المؤمنون به یکی دیگر از نشانه های مؤمنینی که در این مرتبه از دینداری قرار گرفته اند اشاره می کند «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ». پس از تحلیل محتوای تفاسیر آیه مزبور معانی «لغو» را می توان طبقه بندی کرد. کارهای بی فایده (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۵: ۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۷: ۳۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ج ۱: ۳۵۸)؛ کارهای بی هدف و بی نتیجه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴: ۱۹۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶: ۱۳۳)؛ کارهای بیهوده (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۲: ۶۵؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۸: ۸۲)؛ کارهای بی نتیجه (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ج ۲۶۹: ۱۳). از آن جایی که کلمه «لغو» در آیه مطلق ذکر شده است، شامل مشاغل، کارها و امور، اعمال و رفتارها، گفتارها و زبان، تصورات و پنداشتها و روابط اجتماعی می شود. بنابراین کارها، اعمال، گفتارها و تصورات «لغو» از نظر دین، موارد بیهوده و مباحی را شامل می شوند که فایده و نتیجه دنیایی یا آخرتی برای آن متصور نیست و اعراض از آنها کنایه از بلندی همت، و کرامت نفس مؤمنین دارد.

مرتبه هفتم؛ دین داری در آرامش و اطمینان (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)

براساس آنچه تاکنون گفته شد ایمان به تدریج تمام وجود انسان مؤمن را می گیرد و او رنگ و بوی خدائی می یابد. در این شرایط مؤمن از هر جهت، بی چون و چرا تسلیم داوری خدا و رسول او می گردد، و حقیقتاً خود را عبد و خدا را معبود خویش می داند. اگر ایمان به چنین مرحله ای رسید، مؤمنین بر هیچ یک از خواسته های خدا و رسول او اعتراض نمی کنند، خشمگین نمی شوند و در برابر هیچ قضا و قدر و حکمی ناراحت نمی شود.^۱ براساس آیه ۶۲ سوره یونس^۲ مؤمنینی که به این مرتبه از دین داری صعود می کنند نه تنها در برابر هیچ حکمی از احکام الهی اعتراض نمی کنند، خشمگین نمی شوند و ناراحت نمی شود، بلکه نسبت به آن تسلیم، مطمئن و راضی اند و با اطمینان این کار را انجام می دهند. کلمه «ولایت»، در این آیه، به معنی برطرف شدن واسطه بین دو چیز است، به گونه ای که بین آن دو، واسطه ای که از جنس آنها نیست وجود نداشته باشد. پس، وقتی می گوئیم، خدا «ولی» مؤمن است «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»^۳، بدان معنی است که او آنچنان به بنده مومن وصل و نزدیک است، که همه چیز او می شود؛ راه را بر او می نمایاند؛ به آنچه سزاوار است، او را و می دارد؛ از آنچه نکوهیده است، او را باز می دارد و او را در زندگی دنیا و آخرت یاری می کند؛ دست او دست

- خدای تعالی در باره چنین ایمانی فرموده: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» سوره نساء، آیه ۶۵

۲- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

۳- إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

خدا؛ زبان و گوش او زبان و گوش خدا می شود. اما آیه ۶۳ سوره یونس مشخص می کند خدای تعالی «ولی» همه مؤمنین نیست، چون مبتنی بر آنچه در مراتب پائین تر دینداری گفته شد، در بین مؤمنین کسانی هستند که در عین دارا بودن ایمان، به شرک نیز مبتلایند.^۱ جمله «وَ كَانُوا يَتَّقُونَ»، در آیه مزبور، نشان می دهد تقوای اولیای خدا، قبل از تحقق این مرتبه از ایمان، دائمی است، در حالی که در سایر مراتب دین داری، لازم نیست قبل از ایمان، تقوا وجود داشته باشد، بلکه تقوا و ایمان همزمان با یکدیگر ظهور می کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ۱۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۳۳۴). در ادامه آیه ۶۲ سوره یونس، دو نشانه مهم دیگر برای این مرتبه از دینداری، ذکر شده است «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ این جمله درجه بالائی از دینداری را نشان می دهد که در آن بنده مؤمن، غیر از خدا، مالکی نمی بیند و معتقد می شود که خودش چیزی ندارد تا از فوت آن بترسد و یا به خاطر از دست دادن آن اندوهناک گردد. خوف، ترس و اندوه ناشی از احتمال ضرری است که انسان، به خاطر از دست دادن نفع و یا برخورد با ضرری، می دهد. تحقق خوف و اندوه، زمانی قابل تصور است که فرد برای خود ملک و یا حقی نسبت به آن چیزی که از آن خوف و اندوه دارد، قائل باشد. مثلاً خود را مالک فرزند، منزل، ثروت، پست و مقام، منزلت اجتماعی، علم و... بداند. اما هرگز درباره چیزهایی که بین او و آنها، علاقه و رابطه ای نیست، نه ترسی دارد و نه اندوهی به خود راه می دهد. بر این اساس اگر فرض کنیم کسی

ایمان داشته باشد که تمام عالم و تک تک موجودات آن و حتی وجود خودش، ملک مطلق خداست و احدی در این ملکیت شریک او نیست، قهرا او خود را مالک هیچ چیز نمی‌داند، و هیچ چیزی را حق خود به حساب نمی‌آورد تا در باره آن دچار خوف و اندوه گردد (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴: ج ۱۰: ۱۳۴).
براساس آیه ۲۳ سوره الحشر، «غمها» و «ترسهای» که دیگران را دائما در حال اضطراب و نگرانی نسبت به گذشته و آینده نگه می‌دارد، در وجود افرادی که دارای این مرتبه از دینداری هستند، راه ندارد؛ نه به آن زمانی که ثروتمندند، دل می‌بندند و نه زمانی که از آن جدا می‌شوند غمی به خود راه می‌دهند؛ روحشان بزرگتر و فکرشان بالاتر از آن است که اینگونه حوادث در آنها اثر گذارد. به این ترتیب براساس آیه ۲۸ سوره رعد، امنیت و آرامش واقعی بر آنها حکمفرماست^۱.
مبتنی بر آیه ۸۲ سوره انعام^۲ کسی غیر از خدا در دلشان نمی‌گنجد؛ به غیر او نمی‌اندیشند و جز او را در روح خود، پذیرا نمی‌شوند. در چنین شرایطی امکان راه پیدا کردن غم، اندوه، ترس یا وحشت در مومنین از بین می‌رود. پس اولیای خدا نه از چیزی می‌ترسند، و نه برای چیزی اندوه می‌خورند. نه در دنیا و نه در آخرت. مگر آنکه اراده خدای تعالی بر این تعلق گیرد که از چیزی بترسند و یا در باره چیزی اندوه خورند. بر این اساس، آیه بطور مطلق، خوف و اندوه را (در دنیا

۱- لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ مَخْلٍ فَخُورٍ (۲۳)

۲- الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (ترجمه: آنها که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست. (۲۸/ رعد)

۳- الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ (ترجمه: آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتا هدایت یافته‌اند. (۸۲/ انعام)

و آخرت) از اولیای خدا نفی می‌کند. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ج ۷: ۱۵۴؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱۱: ۴۷؛ شریف لاهیجی ۱۳۷۳: ج ۲: ۳۷۵؛ عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰: ج ۵: ۵۴؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ج ۳: ۱۸۰۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱: ۲۸۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۱۱: ۲۱۱ طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۰: ۱۳۴؛ آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵: ج ۶: ۱۳۹). بنابراین مؤمنین در این مرتبه از دینداری در هیچ موضوع دنیائی و آخرتی ترس، اضطراب و وحشتی ندارند و کاملاً تسلیم، راضی و برآن مطمئن اند.

۱۳۷
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی با تاکید بر شاخص های آموزش و بهداشت
تقی آزاد ارمکی و همکاران



نتیجه: الگوی دینداری مستند به تفاسیر آیات قرآن

براساس آنچه گذشت الگوی زیر را می توان برای سنجش دینداری مسلمانان،

مستند به تفاسیر قرآن، ترسیم کرد:

مراتب دینداری	ابعاد دینداری	جایگاه	ابعاد دین	عوامل شکل دهنده	ابعاد ذاتی انسان
پذیرش ظاهری دین } دینداری در اجمال ↓ دینداری در تفصیل ↓ دینداری در یقین ↓ دینداری در سیاست و اجتماع ↓ دینداری در برگریدگی (صافیا، خالصا) ↓ دینداری در آرامش و اطمینان	مسلمان	ذهن	دانائی ↓ باور	علم ↑	نفس ↑
	ایمان ↑ مومن (باور) ↑ (بال) ↑ عمل صالح	قلب ↑ ایمان ↑ تقوا و جوارح ↑ پرو عمل ↑ عمل صالح	پرو عمل ↑ عمل ↑ بدن		

آنگونه که گذشت الگوی دینداری در تفاسیر قرآن، در هفت مرتبه قابل سنجش و با شاخصهای معین، بدست می آید که بدلیل طولانی نشدن از ذکر

تفصیلی آنها در این مقاله خودداری می گردد و تنها به ذکر تعداد شاخص هر مرتبه بسنده می شود. برای اولین مرتبه از دینداری، ۵ شاخص، برای دومین مرتبه، ۱۵ شاخص، برای سومین مرتبه، ۸ شاخص، برای چهارمین مرتبه، ۹ شاخص، برای پنجمین مرتبه، ۲۰ شاخص، برای ششمین مرتبه، ۱۱ شاخص، برای هفتمین مرتبه، ۳۱ شاخص بدست آمده است. از آنجائی که طبق بررسی ها، تنها چهار مرتبه اول دینداری را میتوان از روشهای پیمایشی سنجید و سه مرتبه آخر را باید از طرق کیفی اندازه گیری نمود، سنجه های چهار مرتبه اول دینداری را با استفاده از مصاحبه های عمیق در دو سطح دینداری فردی و اجتماعی مشخص گردید. آنگاه جهت بدست آوردن روائی و پایائی، گویه های مزبور در اختیار ۵۰ نفر از محققان و اساتید دانشگاه قرار گرفت؛ و از آنها خواسته شد نسبت به اعتبار هر سنجه، برای سنجش ابعاد دینداری مردم مسلمان ایران، براساس طیفی ۱۱ درجه ای، داوری کنند. نتایج براساس روائی درونی گویه ها، نشان از مناسب بودن اکثر گویه های سنجش دینداری فردی و بخشی از گویه های سنجش دینداری اجتماعی، دارد که در جدول ذیل نشان داده شده است.

الف) سنجش دینداری افراد مسلمان و ایرانی

طیف ارزیابی:

مخالفت کامل ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ موافقت کامل

Test value=6

ردیف	گروه‌های دینداری فردی	میانگین	واریانس	تصحیح معیار	علاوت میانگین	T	سختج معنی داری
۱	گروه های تهید دینی	-	-	-	-	-	-
۱	در فرارهای خود با دیگران بدقولی میکنم.	۹.۹۱	۲.۰۷	۱.۴۴	۳.۶۱	۱۷.۵۵	۰.۰۰۰
۲	به پیمانهای که با دیگران دارم وفادار می مانم.	۹.۱۶	۶.۹۷	۲.۶۵	۳.۱۶	۸.۳۸	۰.۰۰۰
۱	گروه های روابط اجتماعی مبتنی بر دین	-	-	-	-	-	-
۲	سعی کرده ام تر و روایت با دیگران آغاز کننده اسلام باشم.	۸.۶۹	۶.۴۶	۲.۵۴	۲.۶۹	۷.۴۱	۰.۰۰۰
۴	هنگام روبرویی با دیگران، چهره ام خندان است.	۸.۷۵	۵.۴۵	۲.۳۴	۲.۷۵	۸.۳۳	۰.۰۰۰
۵	نسبت به دین داران علاقه ویژه ای دارم.	۷.۶۵	۷.۹۴	۲.۸۱	۱.۶۵	۴.۱	۰.۰۰۰
۳	با دیگران احساس رفاقت و دوستی میکنم.	۷.۷۹	۶.۶۰	۲.۵۶	۱.۹۷	۵.۳۹	۰.۰۰۰
۶	نسبت به حل اختلافات و دلتوریهای دیگران، تلاش میکنم.	۷.۸۵	۷.۲۵	۲.۶۹	۱.۸۵	۴.۸۳	۰.۰۰۰
۱	گروه های رضایت خدا و مهم بودن قرآن	-	-	-	-	-	-
۹	سعی کرده ام، در کارها رضایت خدا را در نظر داشته باشم.	۹.۴۰	۳.۳۳	۱.۸۲	۳.۴	۱۳.۰۷	۰.۰۰۰
۴	برای من، رضایت خدا بر رضایت هر کس دیگری، مقدم است.	۹.۵۵	۳.۵۰	۱.۸۷	۳.۵۵	۱۳.۳۸	۰.۰۰۰
۱۰	زمان تلاوت قرآن، به شوق می آیم.	۹.۰۶	۴.۰۵	۲.۰۱	۲.۰۶	۱۰.۶۳	۰.۰۰۰

۱۴۰
مطالعات اکوسی پیرشرف
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

۱۱	زمان گوش دادن به قرآن، از جایی به جایی می شود.	۸.۵۳	۵.۴۲	۲.۳۲	۲.۵۳	۷.۶	۹.۰۰۰
۱۲	برای هر کاری، به خدا قسم می خورم.	۹.۳۸	۱.۷۵	۳.۴	-۱.۵۷	-۳.۳۳	-۰.۰۰۲
-	گویه های صبر	-	-	-	-	-	-
۱۳	در شرایط سخت و دشوار، این تاب و بی ترس می شوم.	۹.۳۰	۲.۱۷	۱.۴۷	۳.۳	۱۵.۶۹	-۰.۰۰۰
۱۴	زمانی که زمته گناه قرعتم می شود، صبر و تحمل ندارم.	۸.۹۵	۲.۳۰	۱.۴۸	۲.۹۵	۱۳.۹۴	-۰.۰۰۰
۱۵	در انجام مباحات، احساس حسدنگی و نفوذگی نمی کنم.	۷.۷۳	۵.۴۰	۲.۳۲	۱.۷۳	۵.۳۲	-۰.۰۰۰
-	گویه های اتفاق	-	-	-	-	-	-
۱۶	اعمال صیاده دادن هشتم	۸.۴۸	۸	۴.۸۲	۲.۴۸	۶.۱۶	-۰.۰۰۰
۱۷	شرابور خیریه شرکت می کنم.	۷.۷۹	۶.۴۵	۴.۵۴	۱.۷۹	۴.۹۴	-۰.۰۰۰
۱۸	از دیدن مشکلات دیگران ناراحت می شوم و نادمه می خورم.	۹.۳۶	۲.۶۵	۱.۶۲	۳.۳۶	۱۴.۴۶	-۰.۰۰۰
۱۹	از آنچه در اختیار دارم به مستندان کمک می کنم.	۸	۵.۴۵	۲.۳۳	۳	۵.۹۱	-۰.۰۰۰
۲۰	فقط در صورتی که از من تقاضا شود، به مستندان کمک میکنم.	۵.۳۰	۹.۹۲	۳.۱۵	-۰.۹۶	-۱.۵۴	-۰.۱۳
۲۱	موفق به کمک به مستندان نمی شوم.	۸.۸۹	۲.۵۹	۱.۶۱	۲.۸۹	۱۴.۵۹	-۰.۰۰۰
-	گویه های روابط با نابحرم	-	-	-	-	-	-
۲۲	در روابط خود با دیگران، کاملاً رعایت محرم و نامحرم را میکنم.	۸.۶۹	۵.۶۳	۲.۳۲	۲.۶۹	۷.۹۴	-۰.۰۰۰
۲۳	در روابط خود با دیگران ترجیحی به محرم و نامحرم ندارم.	۹.۷۱	۱.۸۷	۱.۳۶	۳.۷۱	۱۸.۹۸	-۰.۰۰۰
-	گویه های اعتماد	-	-	-	-	-	-
۲۴	مورد اعتماد اطرافیان خود هستم.	۸.۹۳	۶.۱۷	۲.۶۴	۲.۹۳	۷.۷۸	-۰.۰۰۰
۲۵	اعتماد هشتم	۹.۷۵	۲.۳۹	۱.۵۴	۳.۷۵	۱۶.۹۷	-۰.۰۰۰
۲۶	اگر کسی که زود به نفاق گذاشته شود، حفظ میکنم.	۹.۷۳	۲.۶۵	۱.۶۳	۳.۷۳	۱۶.۰۳	-۰.۰۰۰
-	گویه های کنترل خشم	-	-	-	-	-	-
۲۷	زمان خصایت زود از کوره در می روم.	۹.۶۴	۴.۱۸	۱.۴۷	۳.۶۴	۱۵.۳۵	-۰.۰۰۰
۲۸	زمان خصایت بر خاشاگری می کنم و بدوی روی دیگران.	۹.۳۳	۲.۰۵	۱.۴۳	۳.۳۳	۱۶.۳۳	-۰.۰۰۰
-	گویه های گذشت	-	-	-	-	-	-
۲۹	از ظلم دیگران در حق خود هر چه باشد، گذشت می کنم.	۹.۳۸	۱۰.۷۹	۳.۳۸	-۰.۲۸	-۰.۶۰۹	-۰.۵۴۶
۳۰	از کسانی که به من ظلم روا دارند، گنجه به دل می گورم.	۸.۶۱	۱.۹	۱.۳۸	۲.۶۱	۱۳.۳۳	-۰.۰۰۰
۳۱	ظلم دیگران در حق خود را، با نیکی پاسخ می دهم.	۵.۹۳	۹.۳۵	۳.۰۵	-۰.۰۶	-۰.۱۴	-۰.۸۸۹
-	گویه های ایثار	-	-	-	-	-	-
۳۲	حل مشکلات دیگران را بر مشکلات خود ترجیح میدهم.	۶.۸۳	۹.۰۵	۳.۰۰۹	-۰.۸۳	۱.۹۴	-۰.۰۵
۳۳	نسبت به مشکلات دیگران، ترجیحی ندارم.	۹.۳۸	۴.۳۹	۱.۵۱	۳.۳۸	۱۵.۶۹	-۰.۰۰۰
۳۴	اول به مشکلات خود و بعد به مشکلات دیگران میرسانم.	۸.۴۲	۳	۱.۴۱	۲.۴۲	۱۴.۰۲	-۰.۰۰۰
-	گویه های اهل ذکر بودن	-	-	-	-	-	-

۳۱	در همه کارها، خدا را حاضر و ناظر ببیند.	۹.۵۸	۲.۷۵	۱.۶۵	۳.۵۸	۱۶.۷۱
۳۲	ذکر خدا، من را از گناه باز می‌دارد.	۹.۱۸	۴.۱۹	۲.۰۴	۳.۱۸	۱۰.۸۸
۳۳	پس از اینکه گناه می‌کنم، هیچ گذشته و نگرانی ندارم.	۹.۹۱	۳.۹۹	۱.۹۹	۳.۹۱	۱۳.۷۳
-	گنوبه های نوبه	-	-	-	-	-
۳۴	پس از گناه، به سرعت پشیمان می‌شوم.	۹.۸۱	۵.۶۱	۲.۳۶	۳.۸۱	۱۱.۳۷
۳۵	پس از گناه، ابتدات ناراحت و خندگین می‌شوم.	۹.۹۵	۴.۱۳	۲.۰۳	۳.۹۵	۱۳.۶۴
-	گنوبه های توکل	-	-	-	-	-
۳۶	در انجام کارها، به خدا توکل می‌کنم.	۹.۷۱	۲.۶۲	۱.۶۲	۳.۷۱	۱۶.۰۴
۳۷	پس از توکل، هر چه از خدا می‌خواهم، به من می‌دهد.			۲.۷۶	۱.۷۹	۴.۵۵
۳۸	پس از توکل به خدا، نگران نتایج تصمیمات خود نیستم.	۷.۷۹	۲.۶۳	۲.۳۱	۲.۰۲	۶.۱۱
۳۹	پس از توکل به خدا، هر چه تصمیم شود راضی هستم.	۸.۱۲	۶.۹۴	۲.۶۳	۲.۱۲	۵.۶۳
-	گنوبه های نظارت اجتماعی	-	-	-	-	-
۴۰	حدا خطاهای دیگران را تذکر می‌شوم و واجبات را تذقیق می‌کنم.	۶.۰۶	۸.۴۷	۲.۹۱	-۰.۰۶	-۰.۱۵۷
۴۱	نسبت به رفتار خوب و بد دیگران بی‌تفاوت هستم.	۸.۵۳	۴.۴۲	۱.۵۵	۲.۵۳	۱۱.۳۸
۴۲	فقط با اگر براسم مشکل ایجاد نشود، خطای دیگران را تذکر می‌دهم.	۸.۳۴	۳.۸۱	۱.۹۵	۲.۳۶	۸.۰۴
-	گنوبه های اقامه نماز	-	-	-	-	-
۴۳	نمازهای واجب خود را در اول وقت می‌خوانم.	۷.۳۰	۱۱.۱۷	۳.۳۶	۱.۳	۲.۳۳
۴۴	نمازهای واجب خود را به سلامت و در مسجد می‌خوانم.	۴.۶۱	۱۱.۴۰	۳.۳۷	-۱.۳۸	-۲.۸۷
۴۵	موقت به خواندن نماز، تشویق می‌شوم.	۹.۹۵	۵.۴۱	۲.۳۲	۳.۹۵	۱۱.۹۱
۴۶	زمانی که نماز فضا شود، احساس بدی به من دست نمی‌دهد.	۹.۳۸	۴.۵۳	۲.۱۲	۳.۳۸	۱۱.۳۳
۴۷	اگر فرصت کم نماز می‌خوانم.	۹.۸۵	۳.۲۰	۱.۹۲	۳.۸۵	۱۴.۰۲
۴۸	از خواندن نماز لذت می‌برم.	۸.۹۷	۵.۶۰	۲.۳۶	۲.۹۷	۸.۸۱
-	گنوبه های خمس	-	-	-	-	-
۴۹	در هر شرایطی خمس اموال و منافع، حتی اگر به آن نیاز داشته باشم.	۵.۹۵	۱۲.۳۲	۳.۷۷	-۰.۰۲	-۰.۰۷۶
۵۰	بوی را که به سختی بدست می‌آورم، خمس نمی‌دهم.	۹.۲۲	۲.۶۵	۱.۵	۲.۲۲	۱۴.۰۸
۵۱	با پرداخت خمس، مبادت خوبی ندارم.	۹.۸۳	۲.۰۹	۱.۵۴	۳.۸۳	۱۸.۵۴
-	گنوبه های جهاد	-	-	-	-	-
۵۲	بدون هیچ چشم داشتی با دشمن دین جهاد می‌کنم.	۷.۸۵	۱۰.۱۶	۳.۱۸	۱.۸۵	۴.۰۷
۵۳	بدون تردید برای حفظ دین جود خرج می‌کنم.	۷.۶۹	۱۰.۳۸	۳.۳۲	۱.۶۹	۳.۳۸
۵۴	بدون تردید، جانم را هم، فدای حفظ دین می‌کنم.	۷.۸۳	۱۰.۷۲	۳.۳۷	۱.۸۳	۳.۹۲
۵۵	در حفظ دین، به من نیازی نمی‌شود.	۹.۳۸	۴	۲	۳.۳۸	۱۱.۵

-	-	-	-	-	-	گنوبه های نگرانی از عذاب الهی	-
۰.۰۰۰	۵.۴۵	۲.۴۲	۳.۱۱	۹.۷۰	۸.۴۲	تسلیت به از دست دادن ایمان خود، نگرانی	۶۰
۰.۰۰۰	۷.۷۷	۳.۲۲	۲.۹	۸.۴۲	۶.۲۲	از اینکه به عذاب الهی گرفتار شوم، من ترسم	۶۱
-	-	-	-	-	-	گنوبه های شهادت به حقی	-
۰.۰۰۰	۲۱.۳۲	۳.۸۱	۱.۲۵	۱.۵۷	۹.۸۱	زمان شهادت دادن به طرف حق، این پا و آن پا، من کنم	۶۲
۰.۰۰۰	۵.۹۲	۲.۶۷	۳.۱۵	۹.۹۳	۸.۶۷	در شرایطی به طرفی شهادت می دهم که حق با او باشد	۶۳
-	-	-	-	-	-	گنوبه های ایمان به قیامت	-
۰.۰۰۰	۱۲.۳۲	۴.۱	۲.۳۲	۵.۳۸	۱۰.۱۰	برای من، قیامت همانند وعده سر بحر من است	۶۴
۰.۰۰۰	۱۷.۷۵	۴.۱۴	۱.۶۳	۶.۶۶	۱۰.۱۴	از سزای آن گناهان در قیامت، واقعا می ترسم	۶۵
-	-	-	-	-	-	گنوبه های تیری از دشمنان دین	-
۰.۰۰۰	۶.۵۹	۲.۸۷	۳.۰۵	۹.۳۱	۸.۸۷	با دشمنان اولیاد خدا، احساس دشمنی می کنم	۶۶
۰.۰۰۰	۱۱.۵۴	۳.۵۹	۲.۱۷	۴.۷۴	۹.۵۹	با کفار و کسبی که دین ندارند احساس رفاقت و دوستی دارم	۶۷
-	-	-	-	-	-	گنوبه های پایداری و مقاومت	-
۰.۰۰۰	۱۴.۵	۲.۹۵	۱.۴۲	۲.۰۴	۸.۹۵	در سختی ها و مشکلات، به سرعت از یاد می آیم	۶۸
۰.۰۰۰	۱۴.۴۷	۳.۹۵	۱.۸۱	۳.۶۶	۹.۹۵	در سختی ها و مشکلات، دین و خدا را فراموش می کنم	۶۹
-	-	-	-	-	-	گنوبه های عدم تردید در دین	-
۰.۰۰۰	۷.۲۵	۲.۷۵	۲.۶۵	۷.۰۶	۸.۷۵	در لزوم واجبات و محرمات دین، هیچگاه شک نمی کنم	۷۰
۰.۰۰۰	۹.۴۶	۳.۶۹	۲.۷۳	۷.۴۶	۹.۶۹	در ایمان به خدا و پیامبر اسلام، هیچگاه تردید نمی کنم	۷۱
۰.۰۰۰	۶.۰۴	۲.۲۲	۲.۵۷	۶.۶۳	۸.۲۲	در هر شرایطی راستگو هستم، حتی اگر به ضرر من باشد	۷۲

(ب) سنجش دین داری محیط اجتماعی فرد (جامعه)

ردیف	گویه‌های دینداری ساختاری	بیانگر	واریانس	انحراف معیار	ضابطه ماینگین	T	سطح معنی داری
۱	اکتراء رضایت خدا را در کارها، در نظر دارند.	۵.۴۶	۱۱.۳۳	۳.۳۶	-۰.۵۳	-۱.۱	۰.۲۷
۲	اکتراء، در سخته‌ها اهل تحمل و بردباری اند.	۵.۸۱	۱۰.۱۱	۳.۱۷	-۰.۱۸	-۰.۴	۰.۶۸
۳	اکتراء، در کارها به خدا توکل دارند.	۶.۲۰	۹.۶۶	۳.۱	۰.۲۰۴	۰.۴۵	۰.۶۴
۴	اکتراء، نسبت به پرداخت خمس و زکات، بی توجه اند.	۸.۶۷	۳.۹۳	۱.۹۸	۲.۶۷	۹.۴۳	۰.۰۰۰
۵	اکتراء، را کینه ای و عقده ای، می بینم.	۸.۵۳	۲.۷۹	۱.۶۷	۲.۵۳	۱۰.۵۹	۰.۰۰۰
۶	اکتراء، دیگران را بر خود ترجیح می دهند.	۵.۸۳	۱۲.۹۳	۳.۵۹	-۰.۱۶	-۰.۳۱	۰.۷۵
۷	کمک به مستفندان را در جامعه خیلی مشاهده می کنم.	۶.۰۴	۸.۳۳	۲.۸۸	۰.۰۴	۰.۰۹۹	۰.۹۲
۸	تصور می کنم، اکتراء اهل صدقه دادن هستند.	۶.۳۲	۸.۷۲	۲.۹۵	۰.۳۲	۰.۷۷	۰.۴۴
۹	اکتربیت، نسبت به همدیگر بی تفاوت اند.	۸.۷۱	۲.۵۸	۱.۶	۲.۷۱	۱۱.۸۲	۰.۰۰۰
۱۰	در طول روز با آدمهای گناهکار و منحرف زیادی مواجه می شوم.	۶.۱۰	۸.۳۴	۲.۸۸	۰.۱۰۲	۰.۲۴	۰.۸
۱۱	به اکتربیت، اعتماد می کنم.	۶.۲۰	۱۰.۳۷	۳.۲۲	۰.۲۰۴	۰.۴۴	۰.۶۵
۱۲	امانت خود را با خیالی راحت، نزد دیگران می گذارم.	۵.۳۶	۱۰.۱۹	۳.۱۹	-۰.۷۳	-۱.۶۱	۰.۱۱
۱۳	اکتراء، به قرارها و بیمتهای خود وفا دارند.	۵.۸۱	۷.۷۷	۲.۷۸	-۰.۱۸	-۰.۴۶	۰.۶۴
۱۴	با چشم خود، در جامعه رفاقت و دوستی راه می بینم.	۵.۰۲	۷.۰۲	۲.۶۴	-۰.۹۷	-۲.۵۸	۰.۰۱
۱۵	اکتراء، با کوچکترین موضوعی عصبی می شوند.	۸.۶۶	۲.۴۶	۱.۵۷	۲.۶۹	۱۲.۰۰۶	۰.۰۰۰
۱۶	اکتراء، نماز می خوانند و روزه می گیرند.	۶.۷۱	۷.۷۹	۲.۷۹	۰.۷۱	۱.۷۹	۰.۰۸
۱۷	عبادت و بندگی خدا را، در اکثر موارد، می بینم.	۶.۴۰	۷.۶۳	۲.۷۶	۰.۴۰۸	۱.۰۳	۰.۳۰۶
۱۸	در طول روز با آدمهای دروغگوی زیادی، مواجه می شوم.	۸.۳۴	۲.۶۰	۱.۶۱	۲.۳۴	۱۰.۱۷	۰.۰۰۰
۱۹	در میان مردم، زیاد تهمت و غیبت می بینم.	۹.۵۱	۲.۴۳	۱.۵۵	۳.۵۱	۱۵.۷۸	۰.۰۰۰

۱۴۴
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

منابع:

۱. نجفی خمینی محمد جواد (۱۳۹۸ق)، *تفسیر آسان*، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ قمری
۲. موسوی همدانی سید محمد باقر (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: پنجم
۳. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، نوبت چاپ اول
۴. مقنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر الکاشف*، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۵. مدرسی سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، دار محبب الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ق، نوبت چاپ: اول
۶. مجلسی محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، جلد: ۲۳، اسلامیة، تهران
۷. مترجمان (۱۳۷۷)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، نوبت چاپ: دوم
۸. مترجمان (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات فراهانی، تهران، نوبت چاپ: اول
۹. کاشانی ملا فتح الله (۱۳۳۶)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران.
۱۰. کرمی حونیری، محمد (۱۴۰۲ق)، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، چاپخانه علمیه، قم، ۱۴۰۲ هجری قمری

۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه شناسی*، صبوری منوچهر، تهران: نشر نی
۱۲. کوزر، لوئیس (۱۳۷۰) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*. ثلاثی. محمد. انتشارات علمی. تهران.
۱۳. قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، نوبت چاپ سوم
۱۴. قرائتی محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران ۱۳۸۳ ش، نوبت چاپ: یازدهم
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر فیض کاشانی*، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ هجری قمری
۱۶. فضل الله سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، نوبت چاپ دوم
۱۷. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۷۹) *"درآمدی بر منشاء دین"* انتشارات معارف. تهران.
۱۸. قاسمی، وحید و قربانیان، مهری (۱۳۸۹)، *تحلیل تطبیقی مهاجرت در سطح دینداری و اولویت های ارزشی دختران و پسران*، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۱۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق) *تفسیر مفتاح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت،
۲۰. ویلم. ژان پل (۱۳۷۷) گواهی، عبدالرحیم، *جامعه شناسی ادیان*، تهران، تبیان.
۲۱. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) *جامعه شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، نشر تبیان
۲۲. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، نوبت چاپ: چهارم
۲۳. طوسی محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۲۴. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ شمسی

۲۵. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۷)، *الطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران.

۲۶. طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، نوبت چاپ اول

۲۷. طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، نوبت چاپ: سوم

۲۸. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق، نوبت چاپ: پنجم

۲۹. طالقانی سید محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران، نوبت چاپ چهارم

۳۰. صدیق سروسستانی (۱۳۷۵)، *کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸.

۳۱. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸)، *تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دینداری*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶

۳۲. شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۴)، *مدلی برای سنجش دینداری در ایران*، جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱

۳۳. سراج زاده، سیدحسین و همکاران (۱۳۸۳)، *بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۴. سراج زاده، سید حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مقایسه تجربی سنجه های دینداری، مجله جامعه شناختی ایران*، دوره هشتم، شماره ۴.

۳۵. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۶) *مآثر آثار*، تدوین: صمدی آملی، داوود، الف - لام - میم،

۳۶. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۱) *انسان و قرآن*، انتشارات قیام، قم.

۳۷. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۰) *عیون مسائل نفس و شرح آن*، انتشارات قیام، قم.

۳۸. ترجمه تفسیر طبری، مترجمان، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۶ ش، نوبت چاپ : دوم



۱۴۸
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱